

نکته



## جایگاه تشکل‌های کارگری

### در ترمیم دستمزد

بررسی خبرهای منتشر شده از نارضایتی‌های کارگری، حاکی از آن است که موضوع دستمزد و ناکافی بودن آن برای تأمین هزینه‌های زندگی، یکی از مهم‌ترین دلایل اعتراض کارگران در شش ماهه نخست سال جاری بوده است. این اعتراضات تقریباً از روزهای نخست تصویب حداقل دستمزد سال ۱۴۰۳ که بدون امضای نمایندگان کارگری حاضر در شورای عالی کار نهایی و ابلاغ شد، جدی‌تر دنبال شد. راه‌اندازی ده‌ها کارزار مجازی برای لغو مصوبه مزد و طرح شکایاتی در دیوان عدالت اداری در این خصوص، گرچه به نتیجه مطلوب نرسید اما بیانگر آن است که مسئله مزد و لزوم ترمیم آن برای شاغلان و بازنشستگان از مهم‌ترین مطالبات این روزهاست. این رویه کم‌وبیش در سال‌های گذشته هم به همین نحو دنبال شد. نمایندگان کارگری که به دلیل فقدان استقلال تشکیلاتی، در مذاکرات مزدی دست‌پایین را دارند و از قدرت چانه‌زنی کمی برخوردارند، اغلب به نتیجه مطلوبی برای تصویب حداقل دستمزد متناسب با سبد معیشت و نرخ تورم-دوشاخص قانونی برای تعیین دستمزد- دست نمی‌یابند. پس از آن به‌تدریج موج کارزارها و نامه‌های سرگشاده اعتراضی از سوی نمایندگان تشکل‌ها به راه می افتند و به نتیجه نمی‌رسد. در این میان نقش تشکل‌ها برای افزایش قدرت خرید کارگران و لزوم در دستور کار قراردادن موضوع ترمیم دستمزد چیست؟

سازمان‌ها، به‌ویژه تشکل‌های کارگری که فعالیت مستقلی دارند و نمایندگان دولت و کارفرمایان در امور داخلی آن‌ها مداخله ندارند، نقش مهمی در حمایت از سیاست‌هایی دارند که قدرت خرید کارگران را افزایش می‌دهد. از جمله اقداماتی که این گروه‌ها می‌توانند در راستای تغییر سیاست‌های مزدی انجام دهند، عبارت‌است از؛

• **حمایت و لابی‌گری**: سازمان‌ها و تشکل‌های کارگری مستقل، در تلاش‌های خود برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت در زمینه افزایش دستمزد متناسب با شرایط زندگی، اجرا یا اصلاح قوانین مربوط به حداقل دستمزد و حقوق کار به‌طور فعالانه شرکت می‌کنند. آن‌ها اعضا را بسیج می‌کنند تا با قانون‌گذاران تماس بگیرند و در کمپین‌هایی شرکت کنند که نیاز به ترمیم دستمزدها را برجسته می‌کند.
• **افزایش آگاهی**: تشکل‌ها با انجام تحقیقات، انتشار گزارش‌ها و استفاده از کمپین‌های رسانه‌ای می‌توانند آگاهی عمومی را در مورد تفاوت بین دستمزد و هزینه‌های زندگی افزایش دهند. این می‌تواند حمایت عمومی را برای طرح‌های ترمیم دستمزد تقویت کند.
• **مذاکره جمعی**: تشکل‌های کارگری مستقل به نمایندگی از کارگران برای تضمین دستمزدها و شرایط کاری بهتر مذاکره می‌کنند. آن‌ها می‌توانند برای تقویت موقعیت چانه‌زنی خود شواهدی از تورم و افزایش هزینه‌های زندگی ارائه دهند.

• **مداخله در سیاست‌گذاری‌ها**: تشکل‌های مستقل می‌توانند سیاست‌های پیشنهادی جامعی را ارائه و ترویج کنند که به مسائل دستمزد، مانند افزایش شاخص حداقل دستمزد مرتبط با تورم یا تعدیل هزینه‌های زندگی می‌پردازد.

• **اتتلاف‌سازی**: تشکیل ائتلاف با سایر سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی، می‌تواند فراخوان ترمیم دستمزد را تقویت کند و جبهه‌ای واحد را در مقابل سیاست‌گذاران قرار دهد.
• **تعامل با اقتصاددانان و کارشناسان**: همکاری با اقتصاد دانان و جامعه‌شناسان می‌تواند داده‌ها و تحلیل‌های معتبری را برای حمایت از استدلال‌های افزایش دستمزد و بازبایی قدرت خرید ارائه دهد.
• **اقدام قانونی**: در برخی موارد، تشکل‌ها ممکن است راه‌های قانونی را برای به چالش کشیدن دستمزد ناعادلانه یا حمایت از قوانین کار دنبال کنند.

در ایران، به دلیل افزایش شکاف بین درآمد کارگران و افزایش هزینه‌های زندگی، ترمیم دستمزد بسیار مهم است. تورم افسار‌گسیخته، تحریم‌های اقتصادی و کاهش ارزش پول، قدرت خرید کارگران را به میزان قابل‌توجهی کاهش داده است. بسیاری از خانوارهای کارگری برای تأمین مایحتاج اولیه مانند غذا، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی با مشکل مواجه هستند و همین امر باعث می‌شود که ترمیم دستمزدها به یک مسئله فوری تبدیل شود.

در همین زمینه، تشکل‌ها و گروه‌های طرفدار ترمیم دستمزد در ایران باید اقدامات راهبردی و عملی در این زمینه انجام دهند. آن‌ها باید تقویت‌فرآیندهای چانه‌زنی جمعی را، به‌ویژه در صنایعی که کارگران با استثمار بیشتری روبه‌رو هستند در دستور کار قرار دهند.

## کارگری

کارگری به‌طور کلی به افرادی گفته می‌شود که در

صنایع، خدمات، کشاورزی و سایر بخش‌ها به‌کار

مندی می‌کنند. این دسته از افراد معمولاً به‌صورت

مستقیم یا غیرمستقیم برای تولید کالاهای مصرفی

یا خدمات برای دیگران به‌کار می‌گیرند. کارگران

معمولاً به‌صورت دسته‌جمعی و در قالب تشکلات

کارگری فعالیت می‌کنند. این تشکلات می‌توانند

به‌صورت رسمی یا غیررسمی باشند و اهداف مختلفی

دارند، از جمله بهبود شرایط کاری، افزایش

حقوق و دستمزد، و دفاع از منافع اقتصادی

و اجتماعی کارگران. کارگران می‌توانند در

صنایع مختلف به‌کار می‌روند، از جمله تولید

کالاهای مصرفی، خدمات، کشاورزی و سایر

بخش‌ها. کارگران می‌توانند به‌صورت مستقل

به‌کار می‌روند یا در قالب تشکلات کارگری

فعالیت می‌کنند. این تشکلات می‌توانند به‌صورت

رسمی یا غیررسمی باشند و اهداف مختلفی دارند،

از جمله بهبود شرایط کاری، افزایش حقوق و

دستمزد، و دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی

کارگران. کارگران می‌توانند به‌صورت مستقل

به‌کار می‌روند یا در قالب تشکلات کارگری

فعالیت می‌کنند. این تشکلات می‌توانند به‌صورت

رسمی یا غیررسمی باشند و اهداف مختلفی دارند،

از جمله بهبود شرایط کاری، افزایش حقوق و

دستمزد، و دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی

کارگران. کارگران می‌توانند به‌صورت مستقل

به‌کار می‌روند یا در قالب تشکلات کارگری

فعالیت می‌کنند. این تشکلات می‌توانند به‌صورت

رسمی یا غیررسمی باشند و اهداف مختلفی دارند،

از جمله بهبود شرایط کاری، افزایش حقوق و

دستمزد، و دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی

کارگران. کارگران می‌توانند به‌صورت مستقل

به‌کار می‌روند یا در قالب تشکلات کارگری

فعالیت می‌کنند. این تشکلات می‌توانند به‌صورت

رسمی یا غیررسمی باشند و اهداف مختلفی دارند،

از جمله بهبود شرایط کاری، افزایش حقوق و

دستمزد، و دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی

کارگران. کارگران می‌توانند به‌صورت مستقل

به‌کار می‌روند یا در قالب تشکلات کارگری

فعالیت می‌کنند. این تشکلات می‌توانند به‌صورت

رسمی یا غیررسمی باشند و اهداف مختلفی دارند،

از جمله بهبود شرایط کاری، افزایش حقوق و

دستمزد، و دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی

کارگران. کارگران می‌توانند به‌صورت مستقل

به‌کار می‌روند یا در قالب تشکلات کارگری

فعالیت می‌کنند. این تشکلات می‌توانند به‌صورت

رسمی یا غیررسمی باشند و اهداف مختلفی دارند،

از جمله بهبود شرایط کاری، افزایش حقوق و

دستمزد، و دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی

کارگران. کارگران می‌توانند به‌صورت مستقل

به‌کار می‌روند یا در قالب تشکلات کارگری

فعالیت می‌کنند. این تشکلات می‌توانند به‌صورت

رسمی یا غیررسمی باشند و اهداف مختلفی دارند،

از جمله بهبود شرایط کاری، افزایش حقوق و

دستمزد، و دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی

کارگران. کارگران می‌توانند به‌صورت مستقل

به‌کار می‌روند یا در قالب تشکلات کارگری

فعالیت می‌کنند. این تشکلات می‌توانند به‌صورت

رسمی یا غیررسمی باشند و اهداف مختلفی دارند،

از جمله بهبود شرایط کاری، افزایش حقوق و

دستمزد، و دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی

کارگران. کارگران می‌توانند به‌صورت مستقل

به‌کار می‌روند یا در قالب تشکلات کارگری

فعالیت می‌کنند. این تشکلات می‌توانند به‌صورت

رسمی یا غیررسمی باشند و اهداف مختلفی دارند،

از جمله بهبود شرایط کاری، افزایش حقوق و

دستمزد، و دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی

کارگران. کارگران می‌توانند به‌صورت مستقل

به‌کار می‌روند یا در قالب تشکلات کارگری

فعالیت می‌کنند. این تشکلات می‌توانند به‌صورت

رسمی یا غیررسمی باشند و اهداف مختلفی دارند،

نگاهی به موضوع اصلاح ماده ۴۱ قانون کار

# دستمزد کارگران به میزان تورم افزایش یابد



به غیر از سال ۱۴۰۱ عملاً افزایش حقوق‌ها کمتر از نرخ

تورم بوده است. مثلاً سال گذشته افزایش حقوق کارگران

۲۲ درصد با نرخ تورم ۴۵ درصد بود. تفسیر دولت این است

که چون در قانون عبارت «با توجه» آمده، الزامی برای این

کار وجود ندارد لذا ما سعی کردیم این ابهام را در قانون

حل کنیم و ماده ۴۱ قانون کار این گونه اصلاح شود و

افزایش حقوق حداقل به میزان نرخ تورم باشد.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس ادامه داد: «در صورت

تصویب این قانون، وقتی نرخ تورم ۴۵ درصد باشد،

حقوق کارگر هم باید ۴۵ درصد افزایش پیدا کند و انتظار

می‌رود با این اصلاحیه ابهام حقوقی رفع شود. برای رفع

این ابهام، اصلاحیه‌ای روی ماده ۴۱ پیشنهاد کردیم که

عنوان «با توجه» به نرخ تورم، به عبارت «به میزان» تورم

تغییر یابد و شورای عالی کار مکلف شود نرخ تورم را در

افزایشی که همه‌ساله در شورای عالی کار مصوب می‌شود،

لحاظ کند.»

علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس

هم در این باره اشاره‌ای به افزایش حقوق کارگران در

قانون کار داشت و گفت: «در قانون فعلی کار آمده

است که افزایش حقوق کارگران باید با توجه به نرخ

تورم باشد. همین ادبیات موجب شده تا قانون کاملاً

قابلیت تفسیرپذیری داشته باشد و متأسفانه از همین

تفسیرپذیری قانون همواره سوءاستفاده شده و افزایش

حقوق‌ها به میزان تورم رسمی کشور افزایش نیافته است.»

او اضافه کرد: «امسال برخی نمایندگان طرحی را ارائه

کردند که به موجب آن ماده ۴۱ اصلاح شود و افزایش

حقوق کارگران بر اساس میزان نرخ تورم باشد. ما موافقم

اگر دولت می‌تواند تورم را دو درصد کند، حقوق‌ها را دو

درصد افزایش دهیم اما وقتی تورم ۴۰ درصد است و خود

دولت به‌طور رسمی اعلام می‌کند که تورم نقطه‌به نقطه ۵۰

درصد و در برخی مواقع ۶۰ درصد است منطقی نیست که

افزایش مزد کارگران را ۱۲ درصد یا ۲۰ درصد یا ۳۰ درصد

تعیین کنیم.»

بابایی کارنامی توضیح داد: «درحال حاضر ماده ۴۱

می‌گوید که افزایش حقوق باید با توجه به تورم اعلامی از

سوی مراجع رسمی آماری صورت گیرد اما ما می‌خواهیم

این ابهام را از قانون حذف کنیم و بگوییم نرخ تورم

رسمی است و دولت موظف است نرخ تورم رسمی را در

حقوق کارگران لحاظ کند. این تغییر می‌تواند به

بهبود شرایط کارگران و افزایش حقوق‌ها منجر شود.

او بر لزوم رعایت سه‌جانبه‌گرایی در روند تعیین دستمزد تأکید کرد و افزود:

«در صورتی که سه‌جانبه‌گرایی واقعی را در جلسات دستمزد شاهد باشیم،

هم کارگر و هم کارفرما از تعیین دستمزد احساس رضایت خواهند کرد اما

مادامی که سه‌جانبه‌گرایی و توافق همه‌شرکای اجتماعی در میان نباشد،

دستمزد هیچ‌گاه رضایت خاطر جامعه کارگری را در پی نخواهد داشت.»

بیات یادآور شد: «سه‌جانبه‌گرایی یعنی بدون امضای نمایندگان کارگری،

مصوبه‌ای در خصوص دستمزد در شورای عالی کار، قانونی و اجرایی نشود

به غیر از سال ۱۴۰۱ عملاً افزایش حقوق‌ها کمتر از نرخ

تورم بوده است. مثلاً سال گذشته افزایش حقوق کارگران

۲۲ درصد با نرخ تورم ۴۵ درصد بود. تفسیر دولت این است

که چون در قانون عبارت «با توجه» آمده، الزامی برای این

کار وجود ندارد لذا ما سعی کردیم این ابهام را در قانون

حل کنیم و ماده ۴۱ قانون کار این گونه اصلاح شود و

افزایش حقوق حداقل به میزان نرخ تورم باشد.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس ادامه داد: «در صورت

تصویب این قانون، وقتی نرخ تورم ۴۵ درصد باشد،

حقوق کارگر هم باید ۴۵ درصد افزایش پیدا کند و انتظار

می‌رود با این اصلاحیه ابهام حقوقی رفع شود. برای رفع

این ابهام، اصلاحیه‌ای روی ماده ۴۱ پیشنهاد کردیم که

عنوان «با توجه» به نرخ تورم، به عبارت «به میزان» تورم

تغییر یابد و شورای عالی کار مکلف شود نرخ تورم را در

افزایشی که همه‌ساله در شورای عالی کار مصوب می‌شود،

لحاظ کند.»

علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس

هم در این باره اشاره‌ای به افزایش حقوق کارگران در

قانون کار داشت و گفت: «در قانون فعلی کار آمده

است که افزایش حقوق کارگران باید با توجه به نرخ

تورم باشد. همین ادبیات موجب شده تا قانون کاملاً

قابلیت تفسیرپذیری داشته باشد و متأسفانه از همین

تفسیرپذیری قانون همواره سوءاستفاده شده و افزایش

حقوق‌ها به میزان تورم رسمی کشور افزایش نیافته است.»

او اضافه کرد: «امسال برخی نمایندگان طرحی را ارائه

کردند که به موجب آن ماده ۴۱ اصلاح شود و افزایش

حقوق کارگران بر اساس میزان نرخ تورم باشد. ما موافقم

اگر دولت می‌تواند تورم را دو درصد کند، حقوق‌ها را دو

درصد افزایش دهیم اما وقتی تورم ۴۰ درصد است و خود

دولت به‌طور رسمی اعلام می‌کند که تورم نقطه‌به نقطه ۵۰

درصد و در برخی مواقع ۶۰ درصد است منطقی نیست که

افزایش مزد کارگران را ۱۲ درصد یا ۲۰ درصد یا ۳۰ درصد

تعیین کنیم.»

بابایی کارنامی توضیح داد: «درحال حاضر ماده ۴۱

می‌گوید که افزایش حقوق باید با توجه به تورم اعلامی از

سوی مراجع رسمی آماری صورت گیرد اما ما می‌خواهیم

این ابهام را از قانون حذف کنیم و بگوییم نرخ تورم

رسمی است و دولت موظف است نرخ تورم رسمی را در

حقوق کارگران لحاظ کند. این تغییر می‌تواند به

بهبود شرایط کارگران و افزایش حقوق‌ها منجر شود.

او بر لزوم رعایت سه‌جانبه‌گرایی در روند تعیین دستمزد تأکید کرد و افزود:

«در صورتی که سه‌جانبه‌گرایی واقعی را در جلسات دستمزد شاهد باشیم،

هم کارگر و هم کارفرما از تعیین دستمزد احساس رضایت خواهند کرد اما

مادامی که سه‌جانبه‌گرایی و توافق همه‌شرکای اجتماعی در میان نباشد،

دستمزد هیچ‌گاه رضایت خاطر جامعه کارگری را در پی نخواهد داشت.»

بیات یادآور شد: «سه‌جانبه‌گرایی یعنی بدون امضای نمایندگان کارگری،

مصوبه‌ای در خصوص دستمزد در شورای عالی کار، قانونی و اجرایی نشود

به غیر از سال ۱۴۰۱ عملاً افزایش حقوق‌ها کمتر از نرخ

تورم بوده است. مثلاً سال گذشته افزایش حقوق کارگران

۲۲ درصد با نرخ تورم ۴۵ درصد بود. تفسیر دولت این است

که چون در قانون عبارت «با توجه» آمده، الزامی برای این

کار وجود ندارد لذا ما سعی کردیم این ابهام را در قانون

حل کنیم و ماده ۴۱ قانون کار این گونه اصلاح شود و

افزایش حقوق حداقل به میزان نرخ تورم باشد.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس ادامه داد: «در صورت

تصویب این قانون، وقتی نرخ تورم ۴۵ درصد باشد،

حقوق کارگر هم باید ۴۵ درصد افزایش پیدا کند و انتظار

می‌رود با این اصلاحیه ابهام حقوقی رفع شود. برای رفع

این ابهام، اصلاحیه‌ای روی ماده ۴۱ پیشنهاد کردیم که

عنوان «با توجه» به نرخ تورم، به عبارت «به میزان» تورم

تغییر یابد و شورای عالی کار مکلف شود نرخ تورم را در

افزایشی که همه‌ساله در شورای عالی کار مصوب می‌شود،

لحاظ کند.»

علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس

هم در این باره اشاره‌ای به افزایش حقوق کارگران در

قانون کار داشت و گفت: «در قانون فعلی کار آمده

است که افزایش حقوق کارگران باید با توجه به نرخ

تورم باشد. همین ادبیات موجب شده تا قانون کاملاً

قابلیت تفسیرپذیری داشته باشد و متأسفانه از همین

تفسیرپذیری قانون همواره سوءاستفاده شده و افزایش

حقوق‌ها به میزان تورم رسمی کشور افزایش نیافته است.»

او اضافه کرد: «امسال برخی نمایندگان طرحی را ارائه

کردند که به موجب آن ماده ۴۱ اصلاح شود و افزایش

حقوق کارگران بر اساس میزان نرخ تورم باشد. ما موافقم

اگر دولت می‌تواند تورم را دو درصد کند، حقوق‌ها را دو

درصد افزایش دهیم اما وقتی تورم ۴۰ درصد است و خود

دولت به‌طور رسمی اعلام می‌کند که تورم نقطه‌به نقطه ۵۰

درصد و در برخی مواقع ۶۰ درصد است منطقی نیست که

افزایش مزد کارگران را ۱۲ درصد یا ۲۰ درصد یا ۳۰ درصد

تعیین کنیم.»

بابایی کارنامی توضیح داد: «درحال حاضر ماده ۴۱

می‌گوید که افزایش حقوق باید با توجه به تورم اعلامی از

سوی مراجع رسمی آماری صورت